اگر بخواهم این خرماها را بخورم، این عُمری طولانی خواهد بود. لذا هرچه خرما داشت، انداخت و سپس با دشمنان جنگید تا اینکه شهید شد.

از انس رضی الله عنه روایت است که: رسول الله صلی الله علیه وسلم و یارانش رهسپار بدر شدند و پیش از مشرکان به آنجا رسیدند؛ سپس مشرکان آمدند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «لا يَقْدِمَنَّ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِلَى شَيْءٍ حَتَّى أَكُونَ أَنَا دُونَهُ»: «هیچیک از شما پیش از اقدام و فرمان من، خودسرانه اقدامی نکند». مشرکان نزدیک شدند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «قُومُوا إِلَى جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّماوَاتُ وَالأَرْضُ»: «به سوی بهشتی بشتابید که پهنایش به گستردگی آسمان ها و زمین است». انس رضی الله عنه می گوید: عُمَیر بن حُمام انصاری رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا، بهشتی که پهنایش به گستردگی آسمان ها و زمین است؟! فرمود: «بله». عمیر رضی الله عنه گفت: به به؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَا يَحْمِلُكَ عَلَى قَولِكَ بَخٍ بَخٍ؟»: «چه چیزی تو را به گفتن "به به" واداشت؟» پاسخ داد: به الله سوگند، هیچ چیز ای رسول خدا، جز اینکه آرزو کردم یکی از بهشتیان باشم. فرمود: «فَإِنَّكَ مِنْ أَهْلِهَا»: «تو از بهشتیان هستی». عمیر رضی الله عنه چند دانه خرما از تیردانش درآورد و شروع به خوردنِ آنها کرد؛ سپس گفت: اگر بخواهم این خرماها را بخورم، این عُمری طولانی خواهد بود (و وقتِ زیادی می برد). لذا هرچه خرما داشت، انداخت و سپس با دشمنان جنگید تا اینکه شهید شد.

[صحیح است] [به روایت مسلم]

انس رضی الله عنه خبر می دهد که رسول الله صلی الله علیه وسلم به همراه اصحابش از مدینه خارج شد تا با قافله ی ابوسفیانی روبرو شود که از شام به قصد مکه بازمی گشت؛ ولی با هدف جنگ خارج نشد؛ اما الله متعال آنها و دشمنان شان را بدون اینکه وعده ی قبلی داشته باشند، گرد آورد؛ به همین دلیل بسیاری از صحابه در این جنگ شرکت نداشتند و رسول الله صلی الله علیه وسلم هیچیک از آنها را سرزنش نکرد. به این ترتیب رسول الله صلی الله علیه وسلم با صحابه به سمت چاه های بدر حرکت نمود و قبل از آمدن کفار قریش به آنجا رسید و مستقر شد؛ سپس کفار قریش آمدند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «هیچیک از شما پیش از اقدام و فرمان من، خودسرانه اقدامی نکند». و صحابه را از هرگونه عمل خودسرانه نهی کرد مگر اینکه خود پیشتاز آن باشد و فرمانش را صادر کرده باشد تا مبادا بخشی از مصالحی که از آن بی خبرند، از دست برود و فوت شود. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «قُوُموا إلى جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّماوات والأرض» یعنی در نثار کردن جان تان در راه الله شتاب نموده و تاخیر نکنید چون عاقبت آن بهشتی است که پهنایش به گستردگی آسمان ها و زمین است. و به این ترتیب آنها را به جنگ با کفار تشویق نمود. انس رضی الله عنه می گوید: عُمَیر بن حُمام انصاری رضی الله عنه گفت: ای رسول خدا، بهشتی که پهنایش به گستردگی آسمان ها و زمین است؟! فرمود: «بله». عمیر رضی الله عنه گفت: به به؛ و با این کلمات، مژده و بشارت رسول الله صلی الله علیه وسلم را بزرگ و گرامی داشت؛ بنابراین رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «ما يَحْمِلُكَ على قولك بَخٍ بَخٍ؟» یعنی چه چیزی باعث شد این کلمات را بگویی، آیا دلیل آن ترس بود؟ عمیر رضی الله عنه می گوید: نه به الله سوگند ای رسول خدا، جز امید به اینکه از بهشتیان باشم. یعنی آنچه باعث شد چنین بگویم، امید ورود به بهشت بود. این بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «تو از بهشتیان هستی». و این بشارت رسول الله صلی الله علیه وسلم به اصحابش برای تشویق آنها و به کار بردن تمام توان شان در عمل بود. وقتی عمیر بن حُمام رضی الله عنه این بشارت را از راستگوترین راستگویان شنید که از روی هوی و هوس سخن نمی گوید، خرماهایی از تیردانش بیرون آورد که بخورد اما خوردن آنها را طولانی شدن زندگی دانست و گفت: «اگر بخواهم این خرماها را بخورم، این عُمری طولانی خواهد بود». بنابراین خرماهایی که داشت انداخت و به دل دشمن زد و جنگید تا اینکه کشته شد.

